

عنوان مقاله:

روابط بین الملل، اقتصاد سیاسی بین ، جهانی شدن اقتصاد

محل انتشار:

اولین همایش اندیشه ها و فناوری های نوین در علوم جغرافیایی (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

نویسنده:

ذکریا شاهی - دانشجوی دکتری تخصصی جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

خلاصه مقاله:

افکار و عقاید اقتصادی همیشه با مفاهیم سیاسی و ارزشی همراه بوده است. حدود یکصد سال پس از تدوین مباحث اقتصادی و سیاسی توسط آدام اسمیت این علم با مساعی اقتصاددانان نیوکلاسیک، جامه نو به تن کرده و می رفت تا بتدریج قیود ارزشی و اخلاقی را کنار گذارد و به صورت یک دانش تحقیقی و مستقل درآمد. ولی این راه طولانی تر شده و حدود یکصد سال دیگر میگذرد، و اینک در ربع آخر قرن بیستم هنوز هم معمای یک علم اقتصاد تحقیقی ناگشوده می نماید. این مقاله بر آن است که با مروری بر پیشینه تیوری اقتصاد و روش شناسی علمی آن نشان دهد که این دانش جوان اگر چه پیشرفت زیادی کرده و به یک علم کامل خیلی نزدیک شده است ولی منازعات رایج در این رشته هنوز هم بیش از آنکه از اختلافات روش شناختی ناشی شده باشند، ریشه در تفاوت های فلسفی و ارزشی دارند زندگی ما از جهاتی بسیار اساسی به اقتصاد سیاسی مربوط می شود. ما برای زندهماندن باید غذا بخوریم. بیشتر ما آذوقه مورد نیاز خود را با پولی که به دست آورده ایم از بازار تهیه می کنیم. ما بدون پول نمیتوانیم چیزی بخریم، برای آن که کالا بی تقاضا کنیم باید مقادیری سرمایه داشته باشیم که نقطه مقابل آن فقر است. بازار جدیدبربنای برخی از قوانین سیاسی استوار است. اگر نباشد بازار مافیایی خواهد بود که بر تهدید، رشوه و زور قرار گرفته است. قوانین سیاسی و مقررات چارچوبی را به وجود میآورند که در قالب آن بازار فعالیت می کند. همزمان نیروی اقتصاد، پایه مهمی برای قدرت سیاسی است. اگر اقتصاد در تعقیب سرمایه است، سرمایه نیز در تعقیب قدرت است، این دو در شبکه ای پیچیده و سردرگم کننده با هم تعامل دارند.

کلمات کلیدی:

روابط بین الملل، جهانی شدن اقتصاد، اقتصاد سیاسی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/679297>

